



مرکز تحقیقات رایانگی

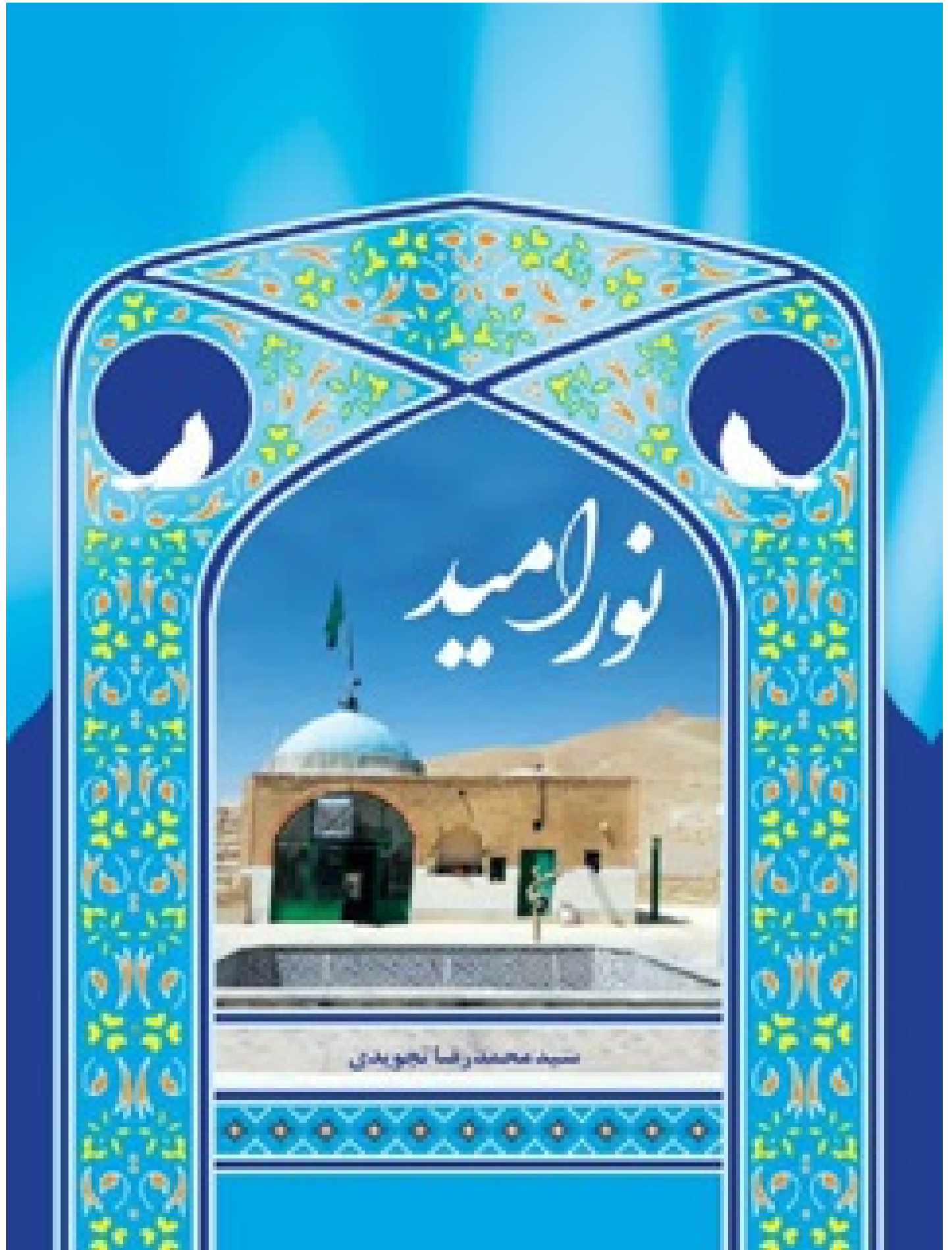
اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صابغین

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



مسجد امامزاده صالح بن ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نور امید: امامزاده محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن امیرالمؤمنین علیهم السلام

نویسنده:

محمد رضا تجویدی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نور امید : امامزاده محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن امیرالمؤمنین علیهم السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	فهرست
۹	مقدمه
۱۵	امامزادگان ، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها
۱۵	چرا آن همه دشمنی ، امامزادگان را از صفحه تاریخ حذف نموده ؟ و چرا این همه عظمت ، در طول چهارده قرن ، به نمایش در آمده است ؟
۱۹	سخنی شیوا ، از علامه مجلسی رحمه الله
۱۹	سخنان مراجع و بزرگان درباره امامزادگان عظیم الشأن
۱۹	حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله العالی
۲۰	حضرت آیت الله العظمی سبحانی مد ظله العالی
۲۱	بیانات حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان
۲۲	امامزاده سید محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام
۲۳	قهجاورستان
۲۴	همسر و فرزندان حضرت عباس علیه السلام
۲۵	شهادت فرزندان حضرت عباس علیه السلام در کربلا
۲۶	اعقاب و بازماندگان حضرت عباس علیه السلام
۲۷	فرزندان حسن بن عبیدالله بن عباس علیهم السلام
۳۰	کرامات و عنایات حضرت محمد بن فضل علیهما السلام
۴۰	منابع و مأخذ
۴۲	درباره مرکز

**نور امید : امامزاده محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن امیرالمؤمنین علیهم السلام**

## **مشخصات کتاب**

نور امید : امامزاده محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن امیرالمؤمنین علیهم السلام

سید محمد رضا تجویدی

زبان: فارسی

صفحات: 32 ص

ص: 1

## **فهرست**

امامزادگان ، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها 9

چرا آن همه دشمنی ، امامزادگان را از صفحه تاریخ حذف نموده ؟ و چرا این همه عظمت ، در طول چهارده قرن ، به نمایش در آمده است ؟ 9

سخنی شیوا ، از علامه مجلسی رحمه الله 13

سخنان مراجع و بزرگان درباره امامزادگان عظیم الشأن.. 13

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله العالی.. 13

حضرت آیت الله العظمی سبحانی مد ظله العالی.. 14

بیانات حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان.. 15

امامزاده محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام 16

قهجاورستان.. 17

همسر و فرزندان حضرت عباس علیه السلام 18

شهادت فرزندان حضرت عباس در کربلا.. 19

اعقاب و بازماندگان حضرت عباس علیه السلام 20

فرزندان حسن بن عبیدالله بن عباس علیهم السلام 21

1: عباس بن الحسن.. 21

2: عبیدالله بن الحسن.. 22

3: ابراهیم بن الحسن.. 22

4: فضل بن الحسن.. 23

5: حمزه بن الحسن.. 23

کرامات و عنایات حضرت محمد بن فضل علیهما السلام 24

1: کامل شدن موزائیک صحن امامزاده. 24

2: شفای خانم سرطانی از اصفهان.. 25

3: شفای مرد یزدی که عمل قلب باز داشتند. 25

4: شفای مرد تصادفی.. 26

منابع و مأخذ.. 31

ص: 2



قال الله تبارك و تعالی:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛

اوست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داد، و برای ماه منازلی [چون هلال، تربیع، بدر و محاق] مقدر ساخت تا شمار سال و حساب [ماه، هفته، اوقات امور زندگی و تنظیم برنامه های معیشت] را بدانید. خدا آنها را جز به درستی نیافریده؛ او نشانه ها را برای گروهی که دانایند [بدون هر گونه ابهام] بیان می کند. (1)

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي؛

هنگامی که بندگانم از تو درباره من پرسند، [بگو: ] یقیناً من نزدیکم، دعای دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می کنم. (2)

در حدیث قدسی داریم: «إِنَّا عِنْدَ الْمُتَكَسِّرَةِ قُلُوبُكُمْ وَعِنْدَ مَنْدَرَسَةِ قَبُورِكُمْ»

خدا می فرماید: من در قلب های شکسته شما و در قبرهای پوسیده شما هستم.

به این معنا که اگر دل شکست جایگاه جلب رحمت حق تعالی می شود و به مصداق «كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا» انسان با دیدن قبرها مخصوصاً قبر پوسیده بیشتر متوجه عظمت حضرت حق تعالی می شود.

مداح روشندلی از رفقای قدیم بنده به نام آقای حسین فاتحی، از روستای پیکان جرقویه بیش از چهارده سال بود از بنده دعوت دیدار در منزل خود را داشت و کمتر توفیق بود که به عیادت این نوکر امام حسین علیه السلام موفق شوم. در روز 12 فروردین 1400 شمسی به برکت دیدار این نوکر اهل بیت علیهم السلام در مسیر منزل

ص: 3

1- . یونس / 5.

2- . بقره / 186.

ایشان به زیارت چند امامزاده موفق شدیم من جمله تابلویی بود به نام امامزاده «نرجس خاتون علیها السلام». وقتی وارد مرقد ایشان شدیم نماز جماعت را با حضور زائرین محترم ایشان خواندیم و یکی از خانم های نمازگزار درخواست خواندن روضه حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام را نمود. ظاهراً نه حرم ایشان منتسب به قمر بنی هاشم بود نه روز و زمان خواندن زیارتی ایشان بود. با حضور چند نفر زائر بی ریا، که در آن بیابان با طی مسیر جاده خاکی به عشق زیارت فرزند از فرزندان اهل بیت علیهم السلام مخلصانه آمده بودند روضه با سوز و گدازی خوانده شد و اشک از دیدگان حضار جاری بود. بعد از خواندن روضه پیرمردی نورانی به نام آقای بهشتی در کنار بنده آمد و گفت: حال که به زیارت این امامزاده آمده اید حتماً به زیارت امامزاده «شاه محمد مراد» که گنبد مطهرشان از همین جا نمایان است، بروید. بنده یکی از معجزات آن امامزاده هستم. پدر و مادرم بعد از سال ها ناامیدی از فرزند دار شدن نذر این امامزاده می نمایند که خدا به ایشان فرزند عنایت فرماید. این پیرمرد نورانی که با حضور چندین پسر و خانواده اش به زیارت آمده بودند می گفت: والدینم به من گفته اند: بعد از فوت ما، به نیابت از ما به زیارت امامزاده «شاه محمد» بروید. ما موفق به زیارت «شاه محمد مراد» شدیم که امامزاده ای با معنویت و مخصوصاً اهالی و زائرین از کرامات ایشان بسیار می گفتند. و با حُسن اتفاق در این امامزاده هم توسل به سه باب الحوائج آقا قمر بنی هاشم، حضرت علی اصغر و جد امامزاده آقا موسی بن جعفر علیهما السلام داشتیم.

در ادامه مسیر بازگشت به اصفهان به روستایی به نام «سیان» رسیدیم که تابلویی توجه ما را به خود جلب نمود به نام امامزاده «شاه عبدالمظفر» وارد روستا شدیم. آدرس امامزاده را جو یا شدیم. وقتی به امامزاده رسیدیم مشخص بود قدمت بقعه مبارک ایشان (حتی وجود شیرسنگی که خود نشانه قدمتی برای این مکان محسوب می شد). وارد امامزاده شدیم و همراهان تقاضای توسل به وجود

نازنین حضرت قمر بنی هاشم را داشتند که اینجا سومین محلی بود که با عنایات حضرت ابوفاضل علیه السلام ما به ذیل عنایاتشان متوسل شدیم. وقتی برای وداع امامزاده سر به ضریح مطهر و چوبی ایشان گذاشتم دیدم بر روی قبر مطهرشان پارچه ای پهن شده و بر روی آن این جمله نوشته شده: «یا ابافضل العباس، اللهم صل علی محمد و آل محمد، یا ام البنین» و همه این مطالب بشارت عنایت خاص وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام به این سفر بود که شاید آن چشمان تیرخورده می خواست این جمله را به ما بگوید: «حال که به دیدار روضه خوان روشندل من آمده ای مورد عنایت من خواهید بود».

از آقای حسین فاتحی که هم محله ای مرحوم حاج سید اسماعیل فاتحی خادم قدیم و عزیز و فقید مدرسه علمیّه ذوالفقار که در روز شهادت حضرت آقا جوادالائمه علیه السلام رحلت نمود شنیدم که در روستای ایشان چشمه ای در کوهی به نام «محمد نوجوان» قدمگاه مبارک فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام ، جناب محمد حنفیه است و الحمدلله به زیارت قدمگاه ایشان موفق شدیم.



شخصیت ارزشمند و مظلومی که همیشه خود را فدایی پدر و برادران بزرگوارشان آقا امام مجتبی علیه السلام و آقا امام حسین علیه السلام می دانست و همین برای او بس که در بحار الانوار روایتی داریم که آقا امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را به سینه خود

چسباند و فرمود: پدرت به قربانت «فَضَّمَهُ إِلَى صَدْرِهِ فَقَالَ فِدَاكَ ابُوكَ» و برادر بزرگوار و امام زمانش حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام او را وصی خود قرار داد و وصیت معروف آقا امام حسین علیه السلام خطاب به ایشان است: «هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَقِيقَةِ» (1).



همه این بشارت ها از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام منجر به این شد که فردای آن روز که سیزدهم فروردین بود بنده جهت دیدار دوستان که قراری داشتیم به سمت فرودگاه اصفهان حرکت نمودم. نزدیکی های قرار، به صاحب مجلس تلفن زدم ایشان گفتند: قرار جمعه آینده بوده و شما این هفته آمده اید. وقت نماز ظهر بود در جاده فرودگاه تابلوی امامزاده ابراهیم علیه السلام به چشمم خورد و برای زیارت ایشان و اقامه نماز ظهر و عصر در جاده خاکی به سمت این

ص: 6

1- . بحارالانوار، ج 44، ص 329؛ لمعات الحسین، ص 16؛ الفتوح، ج 5، ص 21.

امامزاده حرکت نمودم. وقتی به امامزاده رسیدم دیدم درب ورودی حرم بسته، یکی از اهالی که متوجه شد بنده برای خواندن نماز و زیارت به اینجا آمده ام گفت: همراه من بیایید در این نزدیکی، امامزاده ای بسیار با معنویت و غریب داریم که ایشان از نوادگان حضرت قمر منیر بنی هاشم علیه السلام است. جاده خاکی را همراه ایشان ادامه دادم تا در کنار چند کوه حرم ایشان نمایان شد. جمعیتی در صحن و حرم ایشان بودند چون وقت نماز ظهر بود زائرین گفتند: بیایید تا نماز جماعت بخوانیم. جذبۀ معنوی این بقعۀ مبارک در قلبم نشست و بعد از خواندن نماز یکی از زائرین، تقاضای خواندن روضۀ علمدار کربلا و سالار سپاه حضرت اباعبدالله الحسین، برادر ایشان حضرت ابالفصل العباس علیه السلام را نمود.



بر بنده معلوم شد که سه روضه ای که روز گذشته در مسیر جاده جرقویه در آن سه حرم مطهر خواندیم، مقدمۀ تشرف و توسل به وجود نازنین این جگر گوشه حضرت ابوفاضل علیه السلام بوده است. بر آن شدم که به تحقیق بیشتر در منابع معتبر و پرسش بیشتر مخصوصاً از خادم این حرم و اهالی از کرامات ایشان بیشتر مطلع شوم. از خادم این حرم که پیر غلامی ارزشمند به نام آقای «محمد حسین توکلی» بود از معجزات عدیده ایشان در شفای بیماران صعب العلاج، سرطانی و بیماران قلبی حاد شنیدم و همانطور که با ایشان صحبت می نمودم و زائرین صحبت های ما را می شنیدند هر کدام به نوبه خود از عنایات و کرامات این امامزاده واجب التعظیم، داستان های ارزشمندی از خود و دیگران نقل نمودند.

با همکاری حضرت حجت الاسلام آقای شیخ مهدی آقابابایی تحقیقات بیشتر را انجام داده و الحمدلله در منابع معتبری مثل کتاب ارزشمند «العباس علیه السلام» تألیف مرحوم علامه آیت الله مقرر و همچنین «منتهی الآمال» مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامهما الشریف به این نتایج رسیدیم که ایشان «محمد بن فضل بن حسن بن عیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام» می باشند. و البته حسب فرمایشات ایشان که فرزند ایشان را به نام فضل و با کنیه «ابوالعباس» معرفی نموده اند چه بسا ایشان پدر امامزاده واجب التعظیم حضرت ابوالعباس علیه السلام مدفون در خوراسگان باشند.

البته اهل تحقیق چه بسا بیشتر تحقیق نمایند و مطالب مفیدتری نصیب ایشان گردد. قدر مسلم با وجود این منابع معتبر و این مقدار کرامات عالیه و ارزشمند این بقعه مبارکه که مورد توجه اهل ایمان و از همه مهمتر مورد عنایت صاحبمان حضرت بقیت الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداه می باشد و امید است با وجود این اسناد معتبر و این کرامات نوارانی، ابراز ارادت مردم عزیز ما، مخصوصاً مردم اصفهان که به دارالمؤمنین معروف است و در مودت ذوی القربی سابقه درخشانی داشته و دارند بیش از این بوده باشد و از نورانیت حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام، بیشتر بهره مند گردند.

«یا کاشف الكرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق اخیک الحسین علیه السلام»

در این زمان که از هر زمانی بیشتر احتیاج مبرم ما به ذیل عنایات حضرات معصومین و خاندان مطهرشان مشهود است امید آنکه با زیارت قبور امامان و امامزادگان که مصداق آیه: **فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ (1)** هستند هر گونه بلیه اعم از بی اعتقادی، بیماری و سائر شرور و فتن آخرالزمان از قاطبه شیعه دور گردد.

رمضان المبارک 1442 قمری

حوزه علمیه اصفهان

سید محمد رضا تجویدی

ص: 8

## امامزادگان، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها

با مطالعه تاریخ اسلام و مسلمین، و بررسی تاریخ بلاد و مراکز بزرگ تمدن و قدرت مسلمین، می یابیم که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامزادگان علیهم السلام، از نفوذ معنوی و اجتماعی فراوانی برخوردار بوده اند، و با این که قدرت های طاغوتی بسیار خطرناکی، همانند: امویان و عباسیان، در طول چندین قرن، و در عموم بلاد اسلامی، در سرکوبی علویان و فاطمیان (سادات و ذراری رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء علیهم السلام) از هیچ گونه وسیله ای (اعم از نظامی و سیاسی و اقتصادی و تبلیغی) صرف نظر نمی کرده اند، و همیشه در میدانهای نبرد و در زندان ها، و نیز در صحنه های اجتماعی، به قلع و قمع و منزوی ساختن آنها، همت می گماشته اند، ولی با این حال در کشورهای حجاز، مصر، عراق، ایران، سوریه، لبنان و...، هزاران هزار بقعه مورد توجه، و صحن و سرای باشکوه، و گنبد و مناره جالب توجه، با عنوان: «امامزاده» یا «آستانه» یا «مقام» یا «مقبره» یا «بقعه» ملاحظه می شود که گروه گروه، و دسته دسته، زائرین را از راه های دور و نزدیک، به خود جذب می نماید، و محل اجتماع دل های با ایمان، و قلب های با صفا، و عاطفه های دینی، می باشد.

## چرا آن همه دشمنی، امامزادگان را از صفحه تاریخ حذف ننموده؟ و چرا این همه عظمت، در طول چهارده قرن، به نمایش در آمده است؟

تأکید خداوند متعال، و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر محبت اهل البیت علیهم السلام

این همه عظمت، دستورهای اُکید و توصیه های مکرری است که، در قرآن مجید و کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای مودت ذوی القربی، و محبت نسبت به اهل

البيت عليهم السلام و حمايت از ذراري رسول خدا صلى الله عليه و آله عموماً ، و نيكان آنها بالخصوص ، وارد شده است.

1: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ؛ اى پيامبر! بگواز شما اجر و مزدى نمى خواهم ، جز اظهار دوستى درباره نزيديكانم (1).

2: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أَجْرَتِي عَلَيْكُمْ ، الْمَوَدَّةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَدَاةً عَنْهُمْ ، فَمُخِئْتُ بِكُمْ فِي الْمَسْأَلَةِ؛

همانا ، خداوند مزد مرا بر شما، دوستى اهل بيت من قرار داده، و من فرداى قيامت ، در باره آنها از شما سؤال مى كنم، و در اين سؤال ، اصرار و إلحاح خواهم نمود (2).

3: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِيمَانُ رَجُلٍ لِصَنَعَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي صَدَقَةً ، فَلَمْ يُكَافِئْهُ عَلَيْهَا ، فَأَنَا الْمُكَافِئُ لَهُ عَلَيْهَا؛ هر مردى كه به يكي از فرزندان من خدمتى نيكو نمود ، و آن فرزند، پاداش آن را نداد ، من پاداش آن عمل نيك را (به آن مرد نيكوکار ) خواهم داد ، و جبران خواهم نمود (3).

4: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَزْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي ، وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ ، وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ ، وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ؛

چهار دسته و گروهند ، كه من در روز قيامت شفاعت آنها را مى نمايم ، يكي آنكه ذريه مرا پس از من اكرام نمايد ، و دوّم آنكه حاجت ذريه مرا روا نمايد ، و سوّم

ص: 10

---

1- . شورى / 23.

2- . شرف النبى از ابوسعيد خركوشى ، ص 252.

3- . أمالى، شيخ طوسى ، ج 1، ص 365 ؛ بحار الأنوار ، ج 6، ص 225.



آنکه کوشش نماید در کارهای ذریّه من ، در وقتی که آنها نیاز به همکاری دارند، و چهارم آنکه ذریّه مرا با قلب و زبان خود دوست بدارد (1).

5: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحْتَقَرَ أَوْلَادِي أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ؛

هرکس حقیر بشمارد اولاد مرا، خداگوش و چشم او را می گیرد ( و گوش شنوا و چشم بینا ، از او سلب می شود). (2)

6: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي؛

دوست بدارید مرا، به خاطر دوستی خدا، و دوست بدارید اهل بیت مرا، به خاطر دوستی من (3).

7: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَارَ وَاحِدًا مِنْ أَوْلَادِي فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ، فَكَأَنَّمَا زَارَنِي؛

هرکس یکی از اولاد مرا در زمان حیات، یا پس از مرگ او، زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است. (4)

8: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از ذریّه مرا

زیارت کند، من او را در روز قیامت زیارت می کنم، و او را از هول ها و ترس های قیامت، می رهانم (5). 9: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ الدُّنْيَا بِقِيْرَاطٍ، كَأَفَيْئَتُهُ بِقَنْطَارٍ؛ (6)

هرکس به یکی از اهل بیت من صله کند در دنیا به یک قیراط (7)، پاداش و مکافات می دهم او را به یک قنطار. (8)

ص: 11

1- . عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 253؛ أمالی شیخ طوسی، ج 1، ص 376.

2- . میزان الأنساب، ص 8، به نقل از فضائل السادات.

3- . شرف النبى، خرگوشى، ص 259.

4- . یادداشت های سید مصلح الدین مهدوی، به نقل از مشاهد العتره و جامع الأخبار.

5- . یادداشت های آقای سید مصلح الدین مهدوی، به نقل از کتاب مشاهد العتره، و نیز، ثواب الأعمال مرحوم شیخ صدوق.

6- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 558 (کتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر).

7- . یک قیراط، مساوی است با چهار جو و چهار حبه، و به اندازه های دیگر هم تعریف شده است، ولی در هر صورت، اندازه کمی است.

8- . یک قنطار، مساوی است با، یک صد و بیست رطل، یا پوست گاوی که پر از طلا کنند، و با اندازه های دیگر، ولی در هر صورت، اندازه بزرگی است.

9: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ التَّوَسَّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِدِّي يَدُ اسْتَفْعَ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلْيُصَلِّ (فَلْيُصَلِّ) عَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَيَدْخُلِ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ؛

هرکسی قصد دارد که متوسل شود به من، و بخواهد که دستی در نزد من داشته باشد، که به خاطر آن، در روز قیامت او را شفاعت کنم، پس درود بفرستد بر اهل بیت من (یا صله کند بر اهل بیت من) و آنها را مسرور نماید(1).

این بود، چند کلام نورانی، از قرآن مجید، و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله درباره تشویق و ترغیب مردم، در امر محبت و نیکوکاری نسبت به ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و احسان و نیکی به آنها، و محبت و دوستی و اظهار علاقه در برابر آنها، و نیز درباره زیارت قبور و تجلیل از مزارهایشان.

ص: 12

---

1- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 558. ( کتاب الأمر بالمعروف و التّهی عن المنکر).

ثُمَّ اعْلَمَ أَنَّ الْمَشَاهِدَ الْمُنْسُوبَةَ إِلَى أَوْلَادِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ وَالْعَثْرَةَ الطَّاهِرَةَ وَأَقَارِبِهِمْ (صلوات الله عليهم) يُسَدُّ تَحَبُّ زِيَارَتِهَا وَالْإِلْمَامُ بِهَا، فَإِنَّ فِي تَعْظِيمِهِمْ، تَعْظِيمَ الْأَيْمَةِ وَتَكْرِيمَهُمْ...؛

بدان که، مشهدها (و مزارها) بی که نسبت داده شده است به اولاد امامان و پیشوایان، و عترت پاکیزه (پیامبر) و نزدیکان و خویشان ائمه معصومین علیهم السلام، همانا مستحب است زیارت کردن آنها، و توجه و قصد آنها، زیرا تعظیم آن امامزادگان، تعظیم ائمه، و تکریم امامان معصوم علیهم السلام می باشد (و هرگونه تجلیلی درباره آن زادگان امام، تجلیل و بزرگداشت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، به شمار می رود) (1).

## سخنان مراجع و بزرگان درباره امامزادگان عظیم الشأن

### حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله العالی

با ناشناخته ماندن زندگی امامزادگان فرهنگ دینی شیعیان ناقص می ماند

با معرفی زندگی و مصیبت های وارده بر امامزادگان می توان فرهنگ تشیع را احیا کرد و اگر بقاع متبرکه امامزادگان به درستی اداره شود، موقوفات جمع آوری شده برای آنها کافی است.

در صورتی که زندگی امامزادگان در جامعه امروز تبیین و به مردم معرفی شود برکات زیادی را به دنبال دارد.

ص: 13

1- بحار الأنوار، ج 102، ص 273، (باب آداب زیاره اولاد الائمه). ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه های علمیه اصفهان، ج 1، ص 145-153.

در عراق و پاکستان امامزادگانی وجود دارند که هنوز ناشناخته هستند و باید با شناساندن آن‌ها در تقویت فرهنگی دینی گام برداشت، در صورت ناشناخته ماندن زندگی امامزادگان بخشی از فرهنگ دینی شیعیان ناقص می‌ماند و با توجه به اینکه مسئولان اوقاف کشور در راه تعلیم مبانی دینی حرکت می‌کنند باید در این راستا اقدام کنند. تکریم از اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان، موجب کسب فیض و تعظیم شعائر است و یکی از افتخارات بنده نیز خدمت در درگاه این خاندان باکرامت است.

### **حضرت آیت الله العظمی سبحانی مد ظله العالی**

در هر بخشی و هر روستایی که نوری از آن خاندان باشد بر فضای آن شهر اثر خاصی می‌بخشد و مردم آن دیار گاه بیگاه به زیارت مرقد آنان شتافته راه توبه و گرایش به خدا را در پیش می‌گیرند.

اگر صفحات تاریخ حکومت‌های امویان و عباسیان را ورق بزنیم علت این پدیده روشن می‌شود؛ زیرا حاکمان جبار و دست‌نشانندگان آنها چشم دیدن این انوار الهی را نداشته و در صدد دستگیری آنان بوده‌اند و لذا زندگی در غربت را به صورت ناشناس بر زندگی در وطن ترجیح داده‌اند. مثلاً شخصیت بزرگی مانند حضرت عبدالعظیم علیه السلام در ری در یک زیرزمینی به سر می‌برد و فقط شیعیان مخلص می‌توانستند با او تماس بگیرند.

امامزاده ها باید مرکز پاکسازی ارواح و افکار باشند

بقاع متبرکه و امامزادگان سراسر کشور که مستقیم و یا با واسطه به این شجره طیبه نبوت و ولایت اتصال دارند و امامزادگانی که شجره نامه دارند و یا از قدیم مورد احترام مردمی بودند باید به زائران ، مقیمان و مردم شناسانده شوند.

امام زادگان علی رغم تعداد زیاد زائر نیازمند معرفی هستند، تمام امامزاده ها مصداق این آیه شریفه سوره مبارکه نور هستند که می فرماید؛ **فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ** این ها مراکزی هستند که پروردگار عالم، رفعت یعنی بلند مرتبه بودن آنها را خواسته است و در آیه ای دیگر داریم؛ **فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ (1)** این بیوتی است که یاد خدا در آنجا زنده می شود.

امامزاده ها باید مرکز پاکسازی ارواح و افکار باشند. با ارائه بروشور به زائران یا با عاطفه و محبت باید به زائر انتقال داده شود که امامزاده محل خوش گذرانی نیست.

ص: 15

## امامزاده سید محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام

این امامزاده عظیم الشان نسبشان با چند واسطه به آقا قمر بنی هاشم علیه السلام می رسد. مزار این بزرگوار در قجاورستان اصفهان واقع شده است. این امامزاده به امامزاده پاکوه هم معروف می باشد.

در راستای برپایی هر چه باشکوهتر مراسم عزاداری حضرت زهرا علیها السلام در ایام سوگواری فاطمیه، در حرم مطهر امامزاده سید محمد بن فضل علیهما السلام سیاه پوش می شود. با کمک عزاداران فاطمی در سال 1396 در جوار حرم مطهر سه تن سمنو پخت نمودند.

هر سال در ایام شهادت حضرت زهرا و حضرت ام البنین علیهما السلام چهار دیگ سمنو بار می گذارند و از اطراف و اکناف برای زیارت امامزاده مشرف و عرض ارادت به آستان مقدس می نمایند. در طول سال و در ماه مبارک رمضان مردم برای گرفتن حاجات خود و عرض ارادت به این امامزاده مشرف می شوند. و همچنین جهت نماز و افطاری در این امامزاده حاضر می شوند.

شهری است کهن در منطقه «قهاب»، در شرق و شمال شرق اصفهان جنب فرودگاه بین المللی شهید بهشتی اصفهان که از شرق به کویر و از جنوب به شهر خوراسگان و از غرب به شهر اصفهان منتهی می گردد.

این شهر به علت نزدیکی به اصفهان و بزرگراه یزد- اصفهان- کاشان- تهران و همجواری با پایگاه هوایی شهید بابایی، فرودگاه و شهرک صنعتی جی از موقعیت اقتصادی و صنعتی ممتازی برخوردار است. این منطقه در ارتفاع 1540 متری از سطح دریاست.

حافظ ابونعیم یکی از نقاط معتبر اصفهان را «قه» نام می برد که همین قهاورستان امروزی است.

واژه قهاورستان تقطیع به صورت (قه - جا - ور - ستان) می باشد که (قه) معرب (که) به معنای کاریز و قنات است. جزء دوم (جا) مبدل از (زا) از زه و زایش به معنی تولید است. جزء سوم (ستان) پسوند اتصاف به معنی کثرت در مکان و از آنجا که قهاورستان مرکز ناحیت قناتستان در منطقه قهاب محسوب می شده است تاکنون بدین نام شهرت دارد.

و طبق اسناد موجود دوران شکوفایی این شهر در اوایل دوران گسترش اسلام بوده است.<sup>(1)</sup>

ص: 17

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، با لبابه دختر عبيدالله بن عباس، پسر عموی پیامبر اکرم صلی الله عليه وآله، ازدواج نمود. (1)

لبابه، از بانوان بزرگ زمان خویش بود و در فضایی آکنده از نور قرآن و مالا مال از عطر روح نواز محبت به خاندان وحی، دیده به جهان گشوده و در سایه سار «قرآن و عترت» تربیت یافته بود. مادر لبابه، ام حکیم جویری دختر خالد بن قرظ کنانی است. (2)

تاریخ ازدواج وی چندان مشخص نیست. اما از سن فرزندان حضرت عباس علیه السلام می توان حدس زد که ازدواج او بین سال های 40 تا 45 هجری صورت گرفته و اینکه سن او هنگام ازدواج بیست سال بوده است. ثمره این پیوند فرزندان به نام های عبيدالله، فضل، حسن، قاسم و یک دختر بود. (3)

نام دختر حضرت را «حديقه النسب» یا «حدائق الانس» گفته اند. (4)

اما بین تاریخ نگاران در تعداد آنها اختلاف نظر وجود دارد.

برخی، حضرت عباس علیه السلام را صاحب دو فرزند به نام های عبيدالله و فضل دانسته اند (5) و برخی دیگر، عبيدالله، حسن و قاسم (6) و برخی نیز عبيدالله و محمد (7) را فرزندان او برشمرده اند.

ص: 18

---

1- . نسب قریش، دارالمعارف للطباعة والنشر، ج 1، ص 79؛ المحبّر، ج 1، ص 44.

2- . العباس علیه السلام، ص 195.

3- . همان.

4- . ابوالقربه، ص 98.

5- . ذخیره الدارین، ج 1، ص 145؛ وسیله الدارین، ص 278.

6- . بطل العلقمی، ج 3، ص 429.

7- . اعیان الشیعه، ج 1، ص 610.



## شهادت فرزندان حضرت عباس علیه السلام در کربلا

برخی منابع، از شهادت فرزندان حضرت در کربلا سخن به میان آورده اند اما در نام آنها گوناگونی وجود دارد. نوشته اند: هنگامی که حضرت عباس علیه السلام از روی اسب خود بر زمین افتاد و در درگیری با دشمنان به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام خود را به او رسانید و وقتی که حالت او را مشاهده نمود، فریاد برآورد: «وَاغْوَثَاهُ، يَا لَئِيْلَ يَا لَئِيْلَ نَاصِرَاهُ؛ فریاد [از بی کسی]، به تو پناه می برم ای خدا! وای از کمی یاران!» در این لحظه، محمد و قاسم صدای امام را شنیدند، نزد ایشان رفته و در پاسخ امام، فریاد زدند: «لَيْتَكَ يَا مَوْلَانَا، نَحْنُ بَيْنَ يَدَيْكَ؛ در خدمت توایم ای سرور ما». امام حسین علیه السلام رو به آنان کرد و فرمود:

«بِشَهَادَةِ أَبِيكَمَا الْكِفَايَةُ؛ شهادت پدرتان بس است». اما آنان امتناع ورزیده و گفتند: «نه به خدا، ای عمو!» سپس از امام اجازه گرفته و به میدان نبرد شتافتند و پس از پیکار با دشمن، ابتدا محمد و پس از او قاسم به شهادت رسیدند. (1)

علامه سید محسن امین - تراجم نویس مشهور - عبدالله بن عباس علیه السلام را نیز در شمار شهیدان کربلا ذکر می نماید. (2)

اما بنا به گزارش برخی دیگر از تاریخ نگاران، تنها محمد در کربلا به شهادت رسیده است. (3)

در این زمینه نوشته اند: در کربلا سه تن از فرزندان حضرت عباس علیه السلام با او حضور داشتند که در بین آنها، حضرت عباس علیه السلام، محمد را از همه بیشتر دوست می داشت و او را از خود جدا نمی کرد. او نوجوانی پارسا و خداترس بود و در میان

ص: 19

1- . بطل العلقمی، ج 3، ص 433.

2- . اعیان الشیعه، ج 1، ص 610.

3- . بحار الأنوار، ج 45، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 12.

ابروانش اثر سجده دیده می شد. وقتی حضرت عباس علیه السلام برادر بزرگوار خویش امام حسین علیه السلام را بی یاور دید، فرزند خود محمد را صدا زد و با دست خود، لباس جنگ بر تن او پوشاند و شمشیر به کمر او بست. سپس دست او را گرفته و نزد امام خویش رفت و خود از امام اجازه پیکار او را گرفت. محمد دست امام را بوسید و پس از خداحافظی با زنان خیمه، به میدان رفته و مبارز طلبید و پس از ساعتی نبرد، به شهادت رسید. (1)

### اعقاب و بازماندگان حضرت عباس علیه السلام

آنچه همگی تاریخ نگاران بدان تصریح کرده و اتفاق نظر دارند، این است که نسل حضرت عباس علیه السلام از طریق فرزند او عبیدالله گسترش یافته است. (2) او هنگام حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی کربلا در سنین کودکی بود ولی بعدها مردی دانشمند و فرزانه در دین و از فرهیختگان دوره خود گردید. (3) او با سه زن از زنان پاکدامن و فهیم مدینه به نام های رقیه دختر امام مجتبی علیه السلام، دختر معبد عبدالله بن عباس و دختر مسور بن مخزومه زیری (4) ازدواج نمود و صاحب دو فرزند به نام عبدالله و حسن شد که نسل او نیز از طریق حسن، گسترش یافت. (5)

از این رو، باید حسن بن عبیدالله بن عباس علیه السلام را سرشاخه اصلی نوادگان حضرت عباس علیه السلام برشمرد.

ص: 20

- 1- . ریاض القدس (حدائق الانس)، ج 2، ص 63 ؛ تظلم الزهراء (س)، ص 240.
- 2- . التنبيه والأشراف، ص 299 ؛ المجهره أنساب العرب، ج 1، ص 67 ؛ لباب الأنساب، ج 1، ص 357.
- 3- . المجدی فی أنساب الطالبيين، ص 231 ؛ لباب الأنساب، ج 1، ص 358.
- 4- . مقتل الحسين علیه السلام، ص 315 ؛ العباس علیه السلام، ص 197 ؛ سرّ السلسله العلویه، ص 89.
- 5- . المجدی، ص 231 ؛ لباب الأنساب، ج 1، ص 358.

لذا به معرفی و بررسی زندگانی نوادگان حضرت عباس علیه السلام نسل حسن بن عبیدالله بن عباس علیهم السلام می پردازیم.

## فرزندان حسن بن عبیدالله بن عباس علیهم السلام

حسن بن عبیدالله 67 سال عمر نمود. (1) و صاحب پنج فرزند به نام های عباس، عبیدالله، ابراهیم، فضل و حمزه گردید. (2)

1: عباس بن الحسن

فردی شجاع و صریح بود به گونه ای که نوشته اند کسی از بنی هاشم در جرأت و صراحت لهجه مانند او وجود نداشت. وی در ایام خلافت هارون الرشید به بغداد آمد. هارون الرشید به خاطر فضل، ادب و شجاعت او همواره او را به کنیه می خواند. (3)

او به اندازه ای شیوا شعر می سرود که او را برترین شاعر از فرزندان امام علی علیه السلام می دانستند. (4)

او ده فرزند داشت، که از جمله آنان عبدالله بن العباس است. مأمون پس از درگذشت او گفت: «بعد از تو ای فرزند عباس! همه مردم مساوی شدند (تو با دیگران تفاوت داشتی).» مأمون جنازه او را پیاده تشییع نمود و شیخ بن شیخ خواندش.

ص: 21

---

1- . المجدی، ص 233.

2- . سر السلسله، ص 90؛ لباب الأنساب، ج 1، ص 357؛ الفصول الفخریه، ص 201؛ سراج الأنساب، ص 175.

3- . تاریخ بغداد، ج 12، ص 126 و 127؛ اعیان الشیعه، ج 7، ص 413.

4- . تاریخ بغداد، ج 12، ص 126؛ اعیان الشیعه، ج 7، ص 413.

2: عبیدالله بن الحسن

درباره اش گفته اند: مردی به سان او پرهیت و شکوه، دیده نشده بود. وی امارت حرمین شریفین مکه و مدینه را بر عهده داشت و امر قضاوت در این دو شهر نیز بر عهده او بود. (1)

در نزد امام سجاد علیه السلام، عبیدالله شأن و منزلتی بزرگ به خاطر پدر بزرگوارش قمر بنی هاشم علیه السلام داشت. امام هر وقت وی را می دیدند اشک از دیدگانش جاری می گشت و آن گاه که از سبب گریه می پرسیدند، می فرمود: «انی اذکر موقف ابیه یوم الطف فما املکت نفسی؛ شهادت پدر بزرگوارش را در کربلا به یاد آوردم و بی اختیار اشک می بارم». (2)

3: ابراهیم بن الحسن

معروف به جردقه و در شمار پارسایان و ادیبان زمان خود بود. (3)

وی صاحب نوزده فرزند گردید و در سال 264 ق. درگذشت. از فرزندان او علی بن ابراهیم جردقه، فردی سخاوتمند و والا مقام بوده است. نوه او عبدالله بن علی به بغداد آمد و سپس به مصر رفت و در آن جا به بیان حدیث پرداخت و کتابی به نام جعفریه نگاشت که حاوی مطالب عالی در فقه شیعه بود. او در رجب سال 312 ق. وفات یافت. (4)

ص: 22

---

1- . العباس علیه السلام ، ص 325؛ الفصول الفخریه، ص 203.

2- . العباس علیه السلام ، ص 325.

3- . الشجره المبارکه، ص 199 ؛ الأصبلی فی أنساب الطالبین، 1418 ق، ص 328.

4- . العباس علیه السلام ، ص 197.

او مردی دانشمند، سخنور، شجاع و مورد بزرگداشت خلفای وقت خود و معروف به ابن الهاشمیه بود. از او سه فرزند به نام های جعفر،

عباس الاکبر و محمد به جای ماند که آنان نیز دارای جایگاهی ویژه نزد مردم بودند و هر یک، دارای فرزندان بزرگوار چون خود بودند. (1)

از جمله آنان ابوالعباس فضل بن محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس علیهم السلام است که مردی سخن دان و شاعر بود که بازماندگان او در قم و طبرستان پراکنده هستند. او اشعار زیادی در مدح دلاوری جدّ خود، حضرت عباس علیه السلام در کربلا سروده است.

ابوالعباس فضل بن محمد خطیب شاعر و از اشعار اوست در مرثیه جدّش حضرت عباس علیه السلام گفته :

إِنِّي لَأَذْكُرُ لِلْعَبَّاسِ مَوْفِقَهُ \*\*\* بِكَرْبَلَاءِ وَ هَامِ الْقَوْمِ تُخْتَلَفُ

يَحْمِي الْحُسَيْنَ وَيَحْمِيهِ عَلَى ظَمَاءِ \*\*\* وَلَا يُؤَلِّي وَلَا يُثْنِي فَيُخْتَلَفُ

وَلَا أَرَى مُشْهَدًا يَوْمًا كَمُشْهَدِهِ \*\*\* مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ الْفَضْلُ وَالشَّرْفُ

أَكْرَمُ بِهِ مُشْهَدًا بَ أَنْتَ فَضِيلَتُهُ \*\*\* وَمَا أَضَاعَ لَهُ أَفْعَالُهُ خَلْفًا (2)

5: حمزه بن الحسن

او بسیار شبیه به امام علی علیه السلام بود و در روزگار مأمون عباسی می زیست. (3) از آن جا که عباسیان خود را از نوادگان عباس (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) می دانستند، این

ص: 23

1- . همان؛ سرّ السلسله، ص 90.

2- . منتهی الآمال، ج 1، ص 448؛ چهره درخشان قمر بنی هاشم، ج 1، ص 67 و 123؛ العباس، ص 326.

3- . الأصيلی، ص 328؛ الفصول الفخریه، ص 202.

موضوع را در بسیاری مواقع، دستاویزی برای توجیه اعمال قرار می دادند. مأمون بدین منظور، نامه ای با دست خط خود برای حمزه نوشت و در ضمن آن بیان داشت: «به حمزه بن الحسن هزار درهم به جهت شباهت وافرش به امیر مؤمنان علی علیه السلام بخشیده شود». او با زینب از نوادگان عبدالله بن جعفر ازدواج نمود. مردم او را زینبی می خواندند؛ زیرا او با زینب علیها السلام دختر امیر مؤمنان علیه السلام نسبت داشت.

### کرامات و عنایات حضرت محمد بن فضل علیهما السلام

آقای محمد حسین توکلی، پیرغلام و احیاگر و خادم آستان مبارک حضرت امامزاده عظیم الشان محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام که خود شاهد بسیاری از کرامات بوده اند در تاریخ 30/1/1400 برای ما چنین نقل نمودند:

1: کامل شدن موزائیک صحن امامزاده

امامزاده با همت و کمک های مردمی تعمیر شده و به اینجا رسیده است . 100 متر از صحن امامزاده را موزائیک نموده بودیم و دیگر بودجه ای نداشتیم که کار را تمام نماییم. شخصی از روستای آمرزیده آباد که او را اصلاً نمی شناختم و او هم مرا نمی شناخت. آمد و گفت: آقای توکلی چرا بقیه صحن امامزاده را موزائیک نمی کنید؟

گفتم: نه من پول دارم و نه امامزاده فعلاً بودجه ای دارد.

گفت: من هم ندارم؟! بیایید کارگاه ما و هر چقدر می خواهید موزائیک ببرید و صحن را کامل نمایید. حدود 1400 متر موزائیک برای امامزاده آوردیم و کارگر و بنا گرفتیم و تکمیل نمودیم.

ص: 24

روزی خانواده ای به این امامزاده مشرف شدند. یک نفر خانم در این ماشین حضور داشت که

توانست اصلاً پیاده شود و پدر و مادرش هم نتوانستند او را پیاده نمایند که وارد حرم بشود. بیست روز بعد دیدم زنی بر سرش می زند و می گوید: حاج آقا درب ضریح را باز کنید می خواهم آقا را زیارت کنم. گفتم: برو درب امامزاده باز است.

گفت: مرا نشناختی. من همان خانمی هستم که چند روز پیش آمدم نتوانستم از ماشین پیاده شوم و سرطان داشتم آقا شفایم داده است.

شبی در عالم رؤیا دیدم که سید بزرگواری آمدند و به من خطاب نمودند که بلند شو. گفتم: بیمارم نمی توانم از جایم حرکت نمایم.

فرمودند: شما هیچ درد و بیماری ندارید از جایتان بلند شوید. و بعد فرمودند: من محمد بن فضل از نوادگان قمر بنی هاشم هستم که چند روز با پدر و مادرت زیارت من آمدید. فردای آن روز به بیمارستان مراجعه نمودم. اطبا آزمایشاتی انجام دادند و گفتند: شما هیچ بیماری ندارید و سالم هستید. من هم الآن برای زیارت حضرت آمده ام، لذا درب ضریح را باز نمایید تا از نزدیک حضرت را زیارت نمایم.

3: شفای مرد یزدی که عمل قلب باز داشتند

مردی از اهالی یزد آمد و گفت: دیدم این باد این پرچم امامزاده را به این سو و آن سو تکان می دهد و مرا جذب خود نمود. من هم عمل قلب باز داشتم باید خود را برای چند روز آینده آماده می کردم. با خود گفتم: چه بهتر که به زیارت این بزرگوار مشرف بشوم و عرض ارادتی نمایم و حاجت خود را با حضرت در میان بگذارم. ماشین را پارک نمودم. وارد حرم مطهر شدم از آقا شفای خود را خواستم.

چند روز بعد به بیمارستان مراجعه کردم. اطباء پس از انجام معاینات گفتند: شما هیچ دردی ندارید.

گفتم: من نامه جهت عمل قلب دارم.

اطباء گفتند: شما هیچ دردی ندارید و سالم هستید بروید به امید خدا.

امروز دوباره آمدم برای عرض ارادت و ببینم این امامزاده اگر به چیزی نیاز دارد انجام وظیفه نمایم. این مرد یزدی اتفاقاً مهندس برق و صنعت بود.

گفتم: اینجا برقی خیلی ضعیف هست و حتی بلندگوها هم مشکل پیدا کرده است.

گفت: من دو عدد ترانس و یک اکو هدیه این امامزاده می نمایم. سال 1394 بود که یکی از ترانس ها را داخل امامزاده و دیگری را بیرون از امامزاده جهت قوی شدن برق امامزاده نصب کرد.

4: شفای مرد تصادفی

آقای حاج حسین صفری حبیب آبادی از اهالی جلادران (واقف ضریح مطهر) تصادف شدید نمودند به حدی که لگن و پاهایشان آسیب شدیدی دید. یک روز متوسل به این آقای بزرگوار شدند و شفا و بهبودی خود را از نواده قمر بنی هاشم علیه السلام خواستند. پس از بهبودی یک روز جهت عرض تشکر و ارادت مشرف به حرم مطهر شدند. آن زمان سال 1394 شمسی این آقا ضریحی نداشتند فقط سنگ قبری داشتند.

آقای صفری گفتند: آقای توکلی ضریحی برای آقا سفارش بدهید و من تمام هزینه های آن را می پردازم. و این ضریح با شکوه را ایشان تقدیم این امامزاده نمودند.

ص: 26



خادم دیگر این امامزاده عزیز، آقای حسین یسلانی که زودتر به عنوان خادم حسینیه حضرت آقا جوادالائمه علیه السلام حیدرآباد با ایشان آشنا شدم از عنایات و کرامات این امامزاده می گوید:

هر ساله برای پخت سمنو مردم با این اعتقاد که، شیرینی این غذا از شیرینی نام مبارکه حضرت زهرا اطهر علیها السلام است و در ایام شهادت زهرا اطهر علیها السلام و مادر ابوالفضل، حضرت ام البنین علیها السلام در 13 جمادی الثانی دیوارهای گلی به یاد دیوارهای مدینه در صحن امامزاده ساخته و مردم با خلوص نیت نذورات خود را از شهرها و روستاها می آورند.

ایشان می گوید: سال گذشته خانمی به صورت اتفاقی به زیارت این امامزاده آمده و نداشتن فرزند را به ایشان می گوید که: ای فرزند ابوالفضل! به من فرزندی عنایت فرماید. و امسال با فرزندش به زیارت امامزاده آمده و به زائرین این بشارت را می دهد که از این امامزاده مجرب هر چه بخواهید با عنایات جدش قمر بنی هاشم علیه السلام که باب الحوائج هستند به شما عنایت می فرماید.



حجت الاسلام آقای سید محمد رضا تجویدی مؤلف کتاب در کنار ضریح مطهر











تصویر



ص: 29



آقای محمدحسین توکلی خادم امامزاده

ابوعبدالله المصعب بن عبدالله بن المصعب الزبيري، نسب قریش، دارالمعارف للطباعة والنشر، 1953 م.

ابوجعفر محمد بن حبيب البغدادي، المحبّر، بيروت، منشورات دار الآفاق الجديده، بی تا.

عبدالرزاق المقرم، العباس عليه السلام، نجف، مطبعه الحيدريه، بی تا.

زجاجی كاشانی، مجيد، ابوالقربه، تهران، نشر: سبحان، چاپ دوم، بهار 1379 ش.

السيد عبد المجيد الحائري، ذخيره الدارين، نجف، مطبعه المرتضويه، 1345 ق.

سيد محسن امين العاملي، اعيان الشيعه، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، 1406 ق.

محمد باقر المجلسي، بحار الأنوار، بيروت، مؤسسه الرساله، 1403 ق.

ابو جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني، مناقب آل ابی طالب، قم، مطبعه العلميه، بی تا.

صدر الدين واعظ القزويني، رياض القدس (حدائق الانس)، تهران، كتاب فروشي اسلاميه، بی تا.

رضی ابن نبی، تظلم الزهراء(س)، قم، منشورات الشريف الرضي، 1360 ش.

ابو الحسن علی بن الحسين المسعودي، التنبيه و الأشراف، ليدن، مطبعه بريل، 1893 م.

ابو محمد علی بن احمد بن سعيد بن الحزم الأندلسي، المجهره أنساب العرب، مصر، دارالمعارف، چاپ سوم، 1391 ق.

البيهقي، ابوالحسن علی بن ابی القاسم بن زيد، لباب الأنساب، قم، مكتبه السيد المرعشي النجفي، چاپ اول، 1410 ق.



ابن العلوی العمری، نجم الدین ابوالحسن علی بن محمد، المجدی فی أنساب الطالبین، قم، مطبعه سید الشهداء، مکتبه آیه الله العظمی النجفی، چاپ اول، 1409 ق.

محمد تقی بحر العلوم، مقتل الحسین علیه السلام، بیروت، دار الزهراء، چاپ دوم، 1405 ق.

ابو نصر سهل بن عبدالله بن داود البخاری، سرّ السلسله العلویه، نجف، مطبعه الحیدریه، 1381 ق.

جمال الدین احمد بن علی بن عنبه الحسینی، الفصول الفخریه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1363 ش.

احمد بن محمد بن عبد الرحمن کیا، سراج الأنساب، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، 1409 ق.

ابو بکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، مصر، مکتبه الخابخی، 1348 ق.

الفخر الرازی، الشجره المبارکه، قم، مکتبه السید المرعشی النجفی، چاپ دوم، 1419 ق.

محمد بن علی بن طباطبا، الأصبلی فی أنساب الطالبین، قم، مکتبه السید المرعشی النجفی، چاپ اول، 1418 ق.

[www.seeiran.ir](http://www.seeiran.ir) سایت سیری در ایران.

قمی، عباس، منتهی الآمال، انتشارات هجرت، چاپ نهم، 1375 ش.

موحد ابطحی، میرسید حجت، ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه های علمیه اصفهان، دفتر تبلیغات المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصفهان، چاپ اول، عید سعید غدیر خم 1418 قمری.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

